



# جایگاه علمی طبری در تاریخ نگاری اسلامی

ناصر تکمیل همایون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از ایران چه می‌دانم؟ / ۱۶۰

# جایگاه علمی طبّری در تاریخ‌نگاری اسلامی

ناصر تکمیل همایون



دفتر پژوهش‌های فرهنگی

تکمیل همایون، ناصر، ۱۳۱۵ —

جایگاه علمی طبری در تاریخ‌نگاری اسلامی / ناصر تکمیل همایون. — تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۴۰۱. ۸۶ ص. — (از ایران چه می‌دانم؟؛ ۱۶۰)

ISBN: 978-964-379-575-7

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا

کتابنامه: ص. ۸۶۷۹؛ هم‌چنان به‌صورت زیرنویس.

۱. طبری، محمدبن جریر، ۲۲۴؟ — ۳۱۰ ق. — سرگذشتنامه. ۲۲. طبری، محمدبن جریر، ۲۲۴؟ — ۳۱۰ ق. — نقد و تفسیر.  
۳. طبری، محمدبن جریر، ۲۲۴؟ — ۳۱۰ ق. — تاریخ‌الرسول و الملوک — نقد و تفسیر.  
۴. تاریخ‌نویسان — سرگذشتنامه و کتابشناسی. ۵. تاریخ‌نویسی اسلامی. الف. دفتر پژوهش‌های فرهنگی. ب. عنوان.

۹۹۴۹/۲۹۷

BP ۱/۵۴

۸۸۷۷۱۱

کتابخانه ملی ایران

ISBN: 978-964-379-575-7

شاپک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۹-۵۷۵-۷

**\* جایگاه علمی طبری در تاریخ‌نگاری اسلامی از ایران چه می‌دانم؟ / ۱۶۰ \***

\* مؤلف: ناصر تکمیل‌همایون

\* سرویراستار و ناظر علمی: حسن باستانی‌راد

\* ویراستار: مینا صفا


\* طراح جلد و صفحه‌آرا: شهره خوری

\* تصویر روی جلد:

\* تصویر پشت جلد:

\* شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه \* چاپ اول ۱۴۰۲

همه حقوق محفوظ است. هرگونه تقلید و استفاده از این اثر به هر شکل بدون اجازه کتبی دفتر پژوهش‌های فرهنگی ممنوع است.

دفتر پژوهش‌های فرهنگی 

نشانی: تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، نبش خیابان شهید وحید نظری، شماره ۲۵۵  
تلفن: ۸۸۸۲۱۳۶۴ ۸۸۳۱۵۲۳۹ ۸۸۸۴۹۴۶۱ ۶۶۴۱۷۵۳۲ ۰۹۱۲۲۱۷۷۶۴۷ دورنگار: ۶۶۹۵۰۱۴۶

پست الکترونیک: Lahze1386@gmail.com

فروش الکترونیک: www.iranculturalstudies.com

# یادداشت

با توجه به تحولات نوین فرهنگی در جامعه امروز، نیاز همه ایرانیان، به ویژه جوانان تیزبین و پرسشگر، به بررسی های جدید علمی و مستمر درباره تاریخ پرفراز و نشیب ایران زمین و دیانت و فرهنگ و تمدن آن، بیش از گذشته نمودار شده است. از این رو، دفتر پژوهشهای فرهنگی با شناخت این امر و در جهت گسترش دیدگاه های همه جانبه و عمیق فرهنگی، تلاش مستمری را آغاز کرده و بر آن است تا با انتشار مجموعه *از ایران چه می دانم؟* آگاهی های مهم، دقیق و سودمندی را در حوزه های گوناگون ایران پژوهی در دسترس همه دوستان ایران و جوانان علاقه مند کشورمان قرار دهد.

امید است که این دفتر بتواند با ارائه این نوع پژوهش ها، ضمن ایجاد پیوندی ناگسستنی میان فرهنگ امروز و دیروز و دوری از هرگونه ذهنیت و جانبداری های یک سوپه و غیرعلمی، زمینه تبادل نظر و اندیشه را میان همه دانش پژوهان و علاقه مندان این عرصه فراهم سازد و در شکوفایی حرکت های نوین فرهنگی و اندیشه پرور و ایجاد آینده ای بهتر برای این سرزمین، نقشی شایسته و مفید ایفا کند.



# فهرست مطالب

۷	پیش‌سخن
۱۱	فصل یکم. زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی تاریخ‌نگاری اسلامی
۱۱	درآمد
۱۳	۱. تاریخ‌نگاری در تمدن اسلامی و ادوار آن
۱۶	۲. تاریخ‌نگاری‌های آغازین
۱۹	۳. نظام‌یابی تاریخی
۲۰	۴. متقدمان راه‌گشا
۲۳	فصل دوم. زندگی‌نامه علمی و فرهنگی طبری
۲۳	درآمد
۲۴	۱. خاستگاه و کوشش‌ها
۳۰	۲. آثار و تألیفات (کتاب‌ها و رسائل گوناگون)
۳۳	فصل سوم. تاریخ‌نگاری طبری
۳۳	درآمد
۳۴	۱. داده‌های کتاب‌شناسی
۳۷	۲. تقسیم‌بندی کتاب
۳۹	۳. منابع و مآخذ تاریخ طبری
۴۷	۴. موضع‌گیری‌های گوناگون

۵۳

## فصل چهارم. تاریخ‌نگاری بعد از طبری

۵۳

درآمد

۵۶

۱. طبری در مسیر تاریخ‌نگاری اسلامی (عربی - فارسی)

۵۹

۲. نظر مورخان پس از طبری

۶۵

۳. تاریخ در روند «علمی شدن»

۷۱

سخن پایانی

۷۷

تصاویر

۷۹

مآخذ

# پیش سخن

ابوجعفر محمد بن جریر طبری، امام‌المورخین، یکی از چهره‌های درخشان تمدن و معارف اسلامی است، که به‌حق نامش در جهان تاریخ و تاریخ‌نگاری جاودانه شد. اثر گرانبهای او به‌نام *اخبار الرسل والملوک*، روشنگر فصل‌هایی از زندگی گذشته انسان و سرمشق بسیاری از مورخان در قرن‌های متمادی بوده است.

طبری اصالت از طبرستان و ری داشت، اما در بغداد نشو و نما یافت. در این شهر تاریخی، از مدت‌ها قبل، زمینه‌هایی برای پرورش او و صدها پژوهشگر نکته‌یاب و تلاشگر دیگر، در بسیاری از رشته‌های علمی، فراهم بوده است. نخستین فصل به شناخت این توانمندی فرهنگی در امر تاریخ‌نگاری اختصاص دارد.

بدیهی است که حیات علمی طبری ویژگی‌هایی دارد. او به‌عنوان یک انسان مسلمان و ایرانی در بطن فرهنگ جدید و جهان‌گستر اسلامی با داشتن خصیصه‌های قومی و خاندانی و شخصی در موقعیت‌های اجتماعی و آموزشی، بالندگی و توانمندی یافته است. آشنایی با تحصیلات و تألیفات گرانبها و ماندگار او، که «برآمد فرهنگی» هویت شخصی طبری و برخورد آن با کانون‌های علمی رو به گسترش زمان او است، فصل دوم این کتاب را تشکیل می‌دهد.



ابوجعفر، در مجموعه فرهنگی عالم اسلام، همانند اکثر برآمدگان آن فرهنگ و تمدن تاریخی، به عامیت علم و بعدهای چندگانه اما وحدت‌پذیر آن آگاهی داشته و در هر زمینه‌هایی چون فقه و تفسیر و حدیث و ادب و جز اینها طبع‌آزمایی کرده است. اما آنچه در فصل سوم این گفتار خواهد آمد، علم تاریخ یا به زبان دیگر مورخ بودن طبری است، که با تحلیل کتاب *تاریخ الرسل و الملوک*، روش و محتوا و برداشت و منابع و موضع‌گیری‌های آن در زمینه‌های گوناگون مورد پژوهش واقع شده است.

در فصل چهارم، تاریخ‌نگاری پس از طبری، و اثراتی که او مستقیم و غیرمستقیم بر مورخان مسلمان اعم از عربی‌نویسان، فارسی‌نویسان و ترکی‌نویسان، حتی اردونویسان در طی تاریخ یک‌هزارساله باقی گذاشته، پرداخته شده است. البته در این بخش بر آثار دو تن از این مورخان، ابن‌اثیر و ابن‌خلدون که متعلق به دوره اول تاریخ‌نگاری اسلامی هستند، تأکید می‌شود. هم‌چنین از تلاش‌های مورخان سده‌های پس از طبری در پیدا کردن جایگاه علمی تاریخ‌نگاری در سلسله‌مراتب علوم در عالم اسلام سخن به میان خواهد آمد.

بررسی جامع و دقیق جایگاه علمی طبری در تاریخ‌نگاری اسلامی در این کتاب بر پایه کلیات متقن و مورد قبول محققان استوار گردید و سخن پایانی اشاره‌ای مجدد به جایگاه علم تاریخ پیش از طبری و نقش مؤلف *تاریخ الرسل و الملوک* در تاریخ‌نگاری عالم اسلام است. در این مقوله افزون بر شناخت دوره فترت تاریخ‌نگاری اسلامی، که با پاره‌شدن پیوندهای اجتماعی جوامع اسلامی و فروریختگی فرهنگ گسترده جهان اسلام به‌وجود آمد، سخن به زمانی می‌رسد که خودیابی‌ها و خودآیی‌های فرهنگی روشنگران مسلمان، عصر تاریخ‌نگاری جدید را بر پایه علم و روش‌های عینی، پدید آورد. بی‌تردید با شناخت گذشته‌های فرهنگی در هر زمینه، به‌ویژه تاریخ و احوال مورخان، می‌توان امکان شکوفایی آینده فرهنگی جامعه‌های مشرق‌زمین را فراهم آورد.

نگارنده در تهیه مطالب یادشده از منابع تاریخی که حاصل پژوهش‌های محققان ایرانی و خارجی هستند، بهره برده و به اهم آنها، هم‌زمان با نقل قول‌ها و نشانه‌ها و مطالبی خارج از متن اما روشنگرانه در یادداشت‌ها، اشاره کرده است، که برای طالبان دقیق‌النظر و جویندگان نوپا و علاقه‌مند بی‌فایده نخواهد بود.

این تحقیق در سمینار بین‌المللی طبری در تیرماه ۱۳۶۹ ارائه شد و در یادنامه طبری به همت وزارت فرهنگ و آموزش عالی به چاپ رسید و اینک با اندک تغییر و تکمیل در سلسله انتشارات «از ایران چه می‌دانم؟» به همت دفتر پژوهش‌های فرهنگی انتشار مجدد می‌یابد.



# فصل یکم

## زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی تاریخ‌نگاری اسلامی

**درآمد** از آغاز زندگی انسان، توجه به گذشته نیاکان و بزرگان خاندان و قوم و قبیله، همراه با توصیف‌ها و گاه تحلیل‌های افسانه‌ای و غالباً برون از زمان معین و حتی مکان مشخص، ذهن و تخیل افراد بشر را به خود مشغول داشته است. با پیداشدن هنر کتابت، سومریان و اکدی‌ان و آشوریان و بابلیان، نخستین اقوامی بودند که حوادث مهم و رویدادهای چشمگیر خود را در الواح و کتیبه‌ها، به صورت دعا و نیایش به درگاه خدایان، یا سرودها و آهنگ‌های شاعرانه و جز اینها با مبالغه‌ها و اغراق‌های فراوان نگاشتند و به تحقیق در این امر تحول‌ها و تطورها پدید آمد تا پایه‌های نخستین علم تاریخ نهاده شد (کریم، ۱۳۴۰؛ شی‌یر، ۱۳۴۱).

به دنبال اقوام برشمرده، یهودیان تورات و دیگر اسفار و مکتوب‌های عهد عتیق را تدوین و مسیحیان اناجیل و روایات گوناگون عهد جدید را تحریر نمودند. هم‌چنین در یونان باستان نگارش اسطوره‌ها و رویدادها و قانون‌ها و در امپراتوری روم تدوین وقایع‌نامه‌های رزمی و سیاسی، و در سرزمین ایران رواج نگارش خدای‌نامه، شهنامه، آیین‌نامه، کارنامه و سالنامه‌نویسی،

و در جامعه‌های دیگر آسیایی تنظیم خاطره‌ها و سرگذشت‌ها در ارتباط با زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی صورت گرفت. بنابراین هر یک از این ملت‌ها به شیوه‌ای در استحکام این رشته از معارف انسانی کوشش کردند، که نشان‌دهنده حرکت‌ها و جریان‌ها و فرازونشیب‌های زندگی اقوام و ملت‌ها است و در رفع نقص‌ها و کمبودهای آن مرارت‌ها کشیدند، تا راه پیشرفت و تکامل این دانش انسانی هموار گردید. دانش تاریخ‌نگاری تا زمان طلوع خورشید درخشان اسلام هم‌چنان پویا و بردوام ماند و از بازتاب‌های فرهنگی جامعه‌های گوناگون آن روزگاران صبغه‌ها پذیرفت. هم‌چنین این دانش در مسیر برخوردهای جهانی دگرگونی‌های فراوان یافت. به‌طوری‌که نمی‌توان در این خط علمی نقص‌ها و ناروایی‌ها و ناهنجاری‌ها را در مجموع مختص یک قوم و ملت و تاریخ‌نگاران آن شمرد، به‌همان‌سان که پیشرفت‌ها و درست‌اندیشی‌های تاریخی را نیز نمی‌توان از آن یک قوم و ملت دانست. (برای آگاهی بیش‌تر ← زرین‌کوب، ۱۳۵۴).

### الف. تعلق تاریخ به سرگذشت یک قوم و نژاد

در نتیجه:

- تمایلات قوم‌مدارانه در نگارش
- بیگانه‌دشمنی در تحلیل
- بیان احوال دیگر اقوام در پیوند با نیازهای قومی
- عینیت حیات جهانی در زندگی بسته قومی

### ب. شکل‌یابی تاریخ در ارتباط با حکومت

در نتیجه:

- پیوند مورخان با کانون‌های قدرت
- فزونی تحلیل‌های اعتباری (= بایدها) در مسیر سیاست و سیاست‌گران

• دورماندن از واقعیت‌ها (= بوده‌ها) و آشنایی بر چگونگی آنها

### ج. سلطه باورهای ارزشی - اجتماعی

در نتیجه:

- رواج توجیه مذهبی و عقیدتی
- نامشخص بودن مرزهای اسطوره‌ها و افسانه‌ها از تاریخ
- توسعه گرایش‌های حماسی و قهرمان‌پرستی

### د. نقص‌های فرهنگی و علمی

در نتیجه:

- نفوذ خرافات و تشریح امور ناممکن
- رونق انواع تعصبات و ناتوانی‌های تحلیلی
- بیان خوارق و تحلیل لذت‌بخشانه
- محدودیت خردمداری و خردگرایی تاریخی
- دسترسی نداشتن به منابع و داده‌ها و عدم شناخت چگونگی رویدادها
- آمیختگی شعر و ادب با نگارش عینی

بر این بندها شاید بتوان مطالبی افزود و پاره‌ای از آنها را غیرمستقیم در روند تاریخ‌نگاری مسلمانان بازیافت و چگونگی آنها را در سیر فرهنگی اسلام به تفصیل تبیین و تحلیل کرد.

## ۱. تاریخ‌نگاری در تمدن اسلامی و ادوار آن یکی از دانش‌های

بشری که در پرتو ظهور اسلام توسعه و شکوفایی پیدا کرد، علم تاریخ به معنای گسترده آن است. در دوران برخورداردهای فرهنگی در عالم اسلام، بسیاری از دانش‌ها و اندیشه‌ها چون علم طبیعت، پزشکی، نجوم، ریاضیات و جغرافیا، و همچنین فلسفه، باورهای دینی و عقیدتی و جز اینها، رونق یافتند. فرزنانگان

عالم اسلام با در دسترس داشتن ترجمه آثار مهم یونانی، سریانی، ایرانی و هندی در تألیف کتاب‌های گرانبها و ماندگار، سرآمد بسیاری از ملت‌های روزگار شدند که این امر خود بعدها عامل توسعه و جهش‌های علمی مغرب‌زمین و جهان گردید (روزنتال، ۱۳۶۵؛ عبدالجلیل، ۱۳۶۳، ص ۱۵۰). اما به واقع در تاریخ‌نگاری، مسلمانان خود مبتکر و مؤسس بوده‌اند. به زبان دیگر، علم تاریخ ثمره فرهنگ و پویایی آن در دیانت و باورهایی است که ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد<sup>۱</sup> و در حرکت‌های تاریخی تحول و دگرگونی‌هایی یافته است، که به چگونگی آن در همین فصل اشاره خواهد شد.

بسیاری از محققان اروپایی و اخیراً پژوهشگران شرقی به اهمیت کارهای عظیم فرهنگی و تاریخ‌نگاری اسلامی مورخان مسلمان توجه کرده‌اند و این امر که از حدود یکصد سال پیش آغاز گردیده، در آثار بسیاری از شرق‌شناسان و تاریخ‌شناسان اروپایی تا زمان حاضر بازتاب علمی یافته است. دانشمندان

۱. در قرآن مجید علاوه بر آیه‌های تاریخی و شبه‌تاریخی که درک گسترده و عمیق آن به شناخت سرگذشت‌های پیامبران، قوم‌ها، ملت‌ها، سرزمین‌ها و دین‌های پیشین نیاز دارد، آیه‌های دیگری نیز وجود دارد که پایه‌های حقانیت تاریخ‌شناسی اسلام را در آنها دانسته‌اند. در این جا به ذکر چند آیه از قرآن با ترجمه عبدالمحمد آیتی (۱۳۶۷) اشاره می‌شود:

- «آل عمران / ۱۳۷: پیش از ما سنت‌هایی بوده است، پس بر روی زمین بگردید و بنگرید که پایان کار آنها که پیامبران را به دروغ‌گویی نسبت می‌دادند چه بوده است.
- النحل / ۳۶: به میان هر ملتی پیامبری مبعوث کردیم که خدا را بپرستید و از بت دوری جوید. بعضی را خدا هدایت کرد و بر بعضی گمراهی مقرر گشت. پس در زمین بگردید و بنگرید که عاقبت کار کسانی که پیامبران را به دروغ نسبت می‌دادند، چگونه بوده است.
- یوسف / ۱۱۱: در داستان‌هایشان خردمندان را عبرتی است. این داستانی بر ساخته نیست، بلکه تصدیق سخن پیشینیان و تفصیل هر چیزی است و برای آنها که ایمان آورده‌اند هدایت است و رحمت.
- التوبه / ۷۰: آیا خبر کسانی که پیش از آنها بوده‌اند چون قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و مؤتکه را نشنیده‌اند که پیامبرانشان با نشانه‌های آشکار بر آنها مبعوث شدند؟ خدا به آنها ستم نمی‌کرد، آنان خود بر خود ستم می‌کردند.
- القمر / ۴: و بر ایشان خبرهایی آمده است که از گناهانشان بازمی‌دارد (برای آگاهی بیش‌تر ← صدر، بی‌تا؛ افتخارزاده، ۱۳۶۳؛ مطهری، بی‌تا).

مشرق‌زمین، به تبعیت از محققان غربی یا مستقل از ایشان، نیز به این باور رسیده‌اند که این مسئله علمی در دوره‌های مختلف تاریخی تحول بنیادی پیدا کرده و دقیق‌تر آن‌که در هر سده و نیم سده دارای دگرگونی‌هایی بوده است (برای آگاهی بیشتر ← آیین‌وند، ۱۳۶۴؛ گیب، ۱۳۶۱؛ اسپولر و دیگران، ۱۳۶۰؛ صدری افشار، ۱۳۴۵).

بر روی هم تاریخ تاریخ‌نگاری مسلمانان، که بی‌تردید با کلیت فرهنگی جوامع، ملت‌ها و امت اسلامی در ارتباط است، به سه دوره ممتاز و مشخص تقسیم می‌گردد:

**الف. نخستین دوره (عصر شکوفایی)** از آغاز پیدایش اسلام تا ویرانگری‌های تاتارها، مغولان و صلیبیان، که منجر به از میان رفتن وحدت نسبی عالم اسلام شد.

**ب. دومین دوره (عصر فترت)** روزگار آشفتگی تاریخی مسلمانان و فروریختگی فرهنگی آنان است که تا دوران معاصر یعنی اوج‌گیری سلطه‌طلبی‌های دول استعماری ادامه داشت.

**ج. سومین دوره (عصر بازیابی)** زمان حاضر که کمابیش از زمان آشنایی با تمدن مغرب‌زمین، و رشد جنبش‌های خودآگاهانه ملی و اسلامی و توسعه حرکت‌های فرهنگی آغاز شده است.

روشن است که این نوشتار در ارتباط با نخستین دوره تاریخ‌نگاری اسلامی و به‌طور دقیق، از آن زمان که مسلمانان در صحنه تاریخ انسان، نه تنها به گونه انسان‌های تاریخ‌ساز، بلکه به‌عنوان فرزندان تاریخ‌نگار، موجودیت خود را اعلام داشته‌اند، شکل یافته است. اما این دوره خود به چند مرحله، چند نوع و چند شیوه تاریخ‌نگاری در چند زمان و چند حوزه تقسیم می‌شود، که هر بخش از آن به پژوهش جداگانه‌ای نیاز دارد.

نهضتی که در شرق دنیای اسلام به نام تاریخ‌نگاری آغاز شد و حیات فرهنگی آن در حدود هفت قرن، تا زمانی که عبدالرحمن بن خلدون در



غرب جهان اسلام پایان شکوهمند آن را آشکار ساخت، تداوم داشت<sup>۱</sup>، دارای چهره‌های برجسته‌ای است، که ابوجعفر محمدبن جریر طبری یکی از نام‌آورترین آنهاست. طبری از اندیشمندان دوره یکم یا عصر شکوفایی تاریخ‌نگاری اسلامی است، اما در سرتاسر دوره دوم تاریخ‌نگاری مسلمانان که در پیوند با چند مورخ سترگ شکل یافته، تأثیر طبری هم‌چنان پابرجاست. هم‌چنین در دوره سوم که زمان ارزیابی مجدد آثار گذشتگان و آموختن از آنان با کاربرد شیوه‌های جدید علمی است، این مورخ بزرگ مسلمان و ایرانی، بیش از پیش اهمیت فرهنگی خود را آشکار ساخته است.

**۲. تاریخ‌نگاری‌های آغازین** پیشرفت اسلام و وحدت سیاسی و حکومتی حاصل از آن، و هم‌چنین ادغام و هم‌جوشی نسبی فرهنگ‌ها و پاره‌فرهنگ‌ها در تمدن جدید، وضع و شرایطی را پیش آورد که سبب شد اندیشمندان جامعه وسیع اسلامی به گذشته اقوام و ملل این قلمرو کم‌نظیر تاریخی علاقه‌مندی نشان دهند و در شناخت آن کوشش نمایند. این موقعیت نوین اجتماعی - تاریخی و نیازهای فرهنگی برخاسته از آن، هماهنگ با زمینه‌های عقیدتی و ایمانی که در قرآن کریم و جوهر دیانت جدید وجود داشت، عوامل شتاب‌دهنده بنیادین اموری بودند که باید شکل‌گیری آغازین تاریخ‌نگاری مسلمانان را در آنها جست‌وجو کرد. در این مورد، پژوهش‌هایی صورت گرفته که البته همه‌گاه یکسان نیستند و استنتاج‌ها و استنباط‌های چندگانه‌ای را دربردارند. آنچه بر پایه اسناد معتبر و تبعات علمی نظر هر پژوهشگری را جلب می‌کند از این قرار است:

۱. اشاره به این جمله ابن خلدون که می‌گوید: «اخباری به ما رسیده که در این روزگار بازار علوم فلسفی در سرزمین رم از ممالک فرنگ و دیگر نواحی ساحلی رونقی بسزا دارد» (ابن خلدون، ۱۳۳۷، ج ۲، ص ۱۰۱۲ - ۱۰۱۳).